

حج و مسائل
اجتماعی





۱۴ نکته پیرامون «موانع تقرب» وراههای مبارزه با آنها

در «حج ۱۴۱۳» به ابتکار بعثة مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی ایران و مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه، سمیناری تحت عنوان «الحجّ و التّقرب» در ذیحجه الحرام ۱۴۱۳ در مکه معظمه تشکیل شد که سخنرانانی از اهل تشیع و تسنن تحت عناوین گوناگون به سخن پرداختند... مقاله حاضر که از نظر خوانندگان ارجمند فصلنامه گرامی «میقات حج» می‌گذرد، نوشته‌ای است که توسط حقیر در پی نامه حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد واعظزاده خراسانی دبیر کل

محترم «مجمع التقریب...»، برای سخنرانی
در آن گردهم‌آیی، در مدینه منوره در هتل
«الدخیل» روبه‌روی قبة خضرای نبوی - ص -
به رشته تحریر درآمد...^۱ وبالله التوفیق و له
الشکر

محمد جواد حجتی کرمانی

* * *

نکته نخست: اندیشه «تقریب بین مذاهب اسلامی» با آن که در عصر ما سابقه‌ای
بیش از یک قرن دارد، ولی هنوز هم در میان شیعیان و هم در میان سنیان، اندیشه‌ای
غریب و ناشناخته است و شگفت‌تر آن که کسانی که خود از منادیان تقریب بشمار
می‌روند، جز شمار ناچیزی از آنان، بدین اندیشه، بگونه‌ای سطحی و ظاهری و تنها در
فروع و تشریفات و نزاکتهای بین‌المللی - اسلامی می‌نگرند و تنها به همین اندازه باور
دارند، ولی تقریب اصولی و باطنی و در مغزها و دلها را باور ندارند یا ناممکن می‌دانند و
گرد آن نمی‌گردند. کم هستند کسانی که به «تقریب» به‌سان یک مقوله واقعی و ریشه‌ای -
که بتواند از جان و دل برخیزد و در سرّ علن شیعیان و سنیان نفوذ کند و فرهنگ عمومی
آنان را چه میان خودشان و محافل خصوصی‌شان و چه در ارتباط با برادرانشان دگرگون
سازد - باور داشته باشند و در راه آن بکوشند.

پس نخست باید تقریب راستین و حقیقی را باور داشته باشیم، نگاه تلاشمان نیز
در راه چنین «تقریب جدی و حقیقی»، جدی و حقیقی باشد.

نکته دوم: چون تقریب هدفی والا و عالی است، پس همانند همه اهداف والا و
عالی، به آسانی دست یافتنی نیست. بدیهی است در این راه، فراز و نشیب، سختی و
سستی و کامیابی و ناکامی بسیاری خواهیم دید و باید از همین حالا آماده برخورد با موانع،
مشکلات و صعوبات راه باشیم و از برخورد با آنها دچار دلسردی، سرخوردگی، سستی و

۱ - بعدالتحریر: شایان یادآوری است که آنچه در این نوشته می‌خوانید تنها یک «طرح» است برای «تحقیق» نه یک
«تحقیق» تاریخی یا مذهبی یا جز اینها که باید مستند به مدارک و منابع باشد.

ناامیدی نشویم.

نکته سوم: برای مبارزه با موانع تقریب باید نخست این موانع را که ریشه در اختلافات ۱۴ قرن امت اسلامی دارد، بخوبی بشناسیم و بدانیم که پدیده‌ای چنین کهنسال را نمی‌توان در قلمرو بحث مذهبی و کلامی محض سنجید؛ زیرا یک بُعدی‌نگری در این قلمرو، همانند بسیاری از مباحث عام بشری، هیچگاه ما را به واقعیت ذواب‌عاد پدیده‌ها آشنا نخواهد کرد.

باید به صراحت گفت که اختلافات دیرپا و موانع ریشه‌ای وحدت و تقریب، پدیده‌های مذهبی محض نیستند، همچنانکه اجتماعی محض یا تاریخی محض هم نیستند. بلکه پدیده‌هایی دارای ابعاد بسیارند که در طول قرون، تکامل یافته تا بدین پایه از حجم و توان رسیده‌اند.

نکته چهارم: درگیری و دست و پنجه نرم کردن با چنین پدیده ریشه‌داری، نمی‌تواند تنها در عرصه مباحثات مذهبی و کلامی یا تنها تحقیقات تاریخی یا جامعه‌شناسی یا سیاسی و جز اینها صورت پذیرد، بلکه برای مبارزه با موانع تقریب و زدودن آثار زیانبار افتراق امت اسلام، باید به مطالعات و مباحثات و اقدامات پردامنه و طولانی و توأم مذهبی، سیاسی و اجتماعی و جز اینها دست یازید. چنین کاری برنامه‌ریزی‌ای «دراز مدت» لازم دارد که دارای مراحل «کوتاه مدت» و «میان مدت» نیز خواهد بود.

در چنین برنامه‌ریزی‌ای که در مقیاس دهه‌ها صورت می‌گیرد و حتی با واحد «قرن» زمانبندی می‌شود، «مباحث کلامی» همراه با «تحقیقات تاریخی»، و این دو، هماهنگ با «جامعه‌شناسی» و این سه همه آغوش با «مباحث و فعالیت‌های سیاسی» و این چهار توأم با «روانشناسی» و این پنج همراه با بُعدهای ناگفته ششم، هفتم و... بگونه‌ای جدایی‌ناپذیر و به عنوان زوایای مختلف یک پدیده که دارای پیوند ارگانیکی و رابطه عنصری با آن هستند... در دستور کار علمای دین و محققان جامعه‌شناسی و مورخان و سیاست‌شناسان و سیاست‌گزاران قرار می‌گیرد... و این بزرگان، نه جدا جدا، بلکه به صورت اعضای یک کالبد و اجزای یک مجموعه و تحت اشراف یک برنامه‌ریزی واحد و هماهنگ و همگون که خودشان به کمک یکدیگر، کارشناسی و طراحی می‌کنند، به

کار شناخت جوهری اختلافات و راههای مبارزه با آن می‌پردازند و در تمام مراحل، از نخستین مراحل «تنوری» تا واپسین مراحل «عمل»، از نیت پاک و اخلاص در عمل قربۀ الی الله و هم‌آهنگی در تحقیق برخوردار خواهند بود.

نکته پنجم: که از سطور فوق نتیجه‌گیری می‌شود: کشف راز ناموفق بودن کارهایی است که لااقل در سده گذشته هجری تا کنون از سوی اندیشمندان و سیاسیون دلسوخته که عاشق تجدید حیات اسلامی و زدودن زنگارهای دشمنی‌ها، بدبینی‌ها و سردیها از میان افراد و جوامع اسلامی بوده‌اند، انجام گرفته است.

این راز همانا یکسویه بودن و جامع‌الاطراف نبودن و یا خدای ناکرده در پاره‌ای از موارد، خالص نبودن نیتها و مشوب بودن به اغراض دیگر بوده است.

نکته ششم که بسیار مهم است و باید آن را به خوبی باز شناخت، این است که: پدیده اختلاف از آغاز تا بدین اندازه و بدینسان ژرف و عمیق نبوده و این نه تنها در اختلافات رایج در جهان اسلام که در هر اختلاف تاریخی‌ای بین هر ملت و دین و نظام و مسلکی و حتی در اختلافات شخصی، میان افراد و خانواده‌ها نیز صادق است.

این نکته‌ای است که اگر مسلمانان شیعه و سنی بدان باور داشته باشند و آن را پایه بحث و اساس کار خود سازند و بر آن توافق کنند - چنین می‌پندارم - که خواهند توانست به کمک یکدیگر، موانع تقریب را موشکافی کنند و برای پیکار با آنها، طرحی نو در افکنند.

اگر این سخن مورد قبول است که ما در آغاز، بدین سان که اکنون هستیم، بدین ژرفا، با هم اختلاف نداشته‌ایم و «بهمین اختلاف» درگذر تاریخ و در طول قرون بوده که بدین پایه از بزرگی رسیده و به انجماد گراییده است تا بدانجا که پاره‌ای از ما، در سر و علن، یکدیگر را «مشرک»، «بدعتگذار»، «خبیث»، «کژ اندیش»، «تاریک فکر» و جز این نمونه‌ها می‌نامیم و به یقین و به شهادت تاریخ مسلمانان، در دوره خلفای راشدین و نیز در دوران ۲۵۰ ساله ائمه شیعه - علیهم السلام - نه تنها بدینگونه نبوده‌اند. بلکه برعکس، بسیار، به هم نزدیک بوده و علی‌رغم اختلاف نظرها و تفاوت دیدها و مذاهب مختلف، به هم پدیده اعضای یک خانواده می‌نگریسته‌اند. البته ما، در اینجا سطح کلی و غالب

برخوردها؛ بخصوص در سیره خلفای را شدین و ائمه - علیهم السلام - را می‌گوئیم. ادعا نمی‌کنیم اینجا و آنجا، دشمنی و عناد و برخوردهای تند، ابدأ وجود نداشته است و این بر عهده مورخان است که این فراز از تاریخ را، که می‌تواند برای شیعه و سنی، اسوه و الگوی متبّع و مطاع باشد، تجزیه و تحلیل کنند.

نکته هفتم: ما باید با شناخت و بلند نظری و اشراف فکری بدانگونه که مقتضای عمل به «کتاب» و «سیره» و «سُنّت» داعیه نخست حضرت محمد بن عبدالله - ص - است، در صدد علاج پدیده اختلاف و تقریب بین مذاهب اسلامی برآئیم؛ زیرا که این پدیده، هر چند ریشه‌دار و سهمگین است، اما اخلاص در نیت و جزم و اتقان در عمل همراه با دور اندیشی و ایمان به نصرت الهی، ما را در این راه طولانی، استوار خواهد داشت و شکستها و نُکشها و فتورهای مقطعی، ما را سست و ناامید نخواهد کرد.

نکته هشتم: اقدامات مشکور پیشینیان و بخصوص دعوت‌های وحدت‌گرایانه منادیان «تقریب بین مذاهب اسلامی» عصر حاضر، با آنکه به توفیق چندانی دست نیافته است، اما جاده را برای ما صاف‌تر کرده و گام‌هایی بلند در این راه برداشته است. بر ماست که با شناخت نقاط ضعف و قوت کار آنان، راهی را که آنان آغاز کرده‌اند ادامه دهیم که اگر خودمان هم راه به پایان نبریم - باری - امید فراوان داریم که آیندگان به پایان برند...

نکته نهم: سرعت انتقال افکار، با بهره‌گیری از ابزارهای معجز آسایی که اندیشه فعال بشری، در اختیار ما گذاشته است، داعیان کنونی وحدت و تقریب را در مقیاسی باور نکردنی، توانمندتر از پیشینیان کرده است و بر ماست که از این «عطیه» بی دریغ الهی که از راه اندیشه بشری بر ما ارزانی داشته است، به نحو اتمّ و اکمل بهره‌گیریم تا به یاری خدا به اهداف والای وحدت و تقریب دست یابیم.

نکته دهم: گر چه در نظر بسیاری از ما بعید می‌نماید ولی با تحقیق تاریخی، این نکته مُسَلّم است که مهمترین عنصری که در تکوین اختلافات نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، جوهره «سیاسی» است و نه «مذهبی»، تذکر این نکته، بخصوص در این محفل که پاره‌ای کارگزاران حکومتی از شیعیان و سنیان حضور دارند، می‌تواند بذری شایسته باشد که رویشی بارور در پی آورد. به تاریخ گذشته نمی‌پردازیم. همین را که امروزه بر جهان

اسلام می‌گذرد می‌گوئیم. اقداماتی که هم اکنون، ما شیعه‌ها و سنی‌ها، بر ضد هم انجام می‌دهیم، عمده‌اً از آبشخور سیاسی برمی‌خیزد... و این چیزی روشن، واضح علنی است که با اندک التفاتی می‌توان بدان رسید... در اختلافات کلامی و مذهبی ما هر چند علما، نویسندگان و گویندگان مذهبی‌اند که بر روی صحنه‌اند، اما همه می‌دانند که کار گزاران اصلی که به کل جریانات جهت می‌دهند و آنها را «تند و کند» و «سرد و داغ» می‌کنند، سیاستمداران هستند. اکنون چنین است و گذشته نیز چنین بوده است! از دورترین روزگاران تاریخ، این شیوه و سنت و سیره «سیاست» بوده است که به کوره اختلافات از جمله اختلافات مذهبی می‌دمیده است و این جنگهای سیاه و خونریزیهای شرم آور أبناء اُمت اسلامی که در برهه‌های مختلف تاریخ در صفحات تاریخ ثبت است، شاهدی روشن بر این مدعا است. و هم اکنون نیز که درگیریهای خونین در بخشهای مهمی از سرزمین‌های اسلامی در جریان است، میراث همان کینه و بغضاء «به ظاهر مذهبی» و «درواقع سیاسی» است که هنوز از شریانهای آن خون جاری است...

اگر این نکته؛ یعنی وجود «جوهره سیاسی» در «اختلافات مذهبی» (ولو بر سبیل موجبه جزئیه) مورد توافق حاضران گرامی این جمع از «فریقین» باشد، ما گامی مهم در رسیدن به یکی از اهداف این گرد هم آیی که همانا شناخت موانع تقریب و راه مبارزه با آن است، نزدیک شده‌ایم...

نکته یازدهم: با چنین نگرشی است که مصلحان اندیشمند، چاره مشکل سیاسی را در بحثهای کلامی و مباحثات مذهبی و گرد هم آیی‌های علمی علما و حاصبنظران و نویسندگان و گویندگان نخواهند جست و برای حل این مشکل دست همکاری و طلب همکاری به سوی محققان جامعه شناس و مورخان و روانشناسان و بالاخره سیاستمداران صالح دراز خواهند کرد و آنان را در این راه به کمک خواهند طلبید و به آنان نیز کمک خواهند کرد؛ زیرا کاری که در ماهیت ذووجه است، نمی‌تواند تنها از یک وجه، مورد ممارست قرار گیرد. توجه به هر یک از ابعاد گوناگون ذکر شده و غفلت از دیگر بُعدها، راه را بسیار دور و دراز، و کار را بسیار کم بهره و دشوار خواهد کرد.

نکته دوازدهم: باید دانست که مذهب و سیاست و تاریخ و اجتماع و جز اینها، در

یکدیگر تأثیر متقابل دارند و هر یک از دیگری، بارور می‌شوند و با آن متکامل می‌گردند. در مورد مذهب، تصریح می‌کنم که مراد، اصول الهی و مبانی تغییر ناپذیر و ثابت آن نیست، بلکه مراد، نحوه کارکرد آن و میزان بهره برداری درست یا نادرست از آن است که به وضوح، تحت تأثیر عوامل نامبرده دیگر، قرار می‌گیرد و ما اگر این را به عنوان یک پایه از کار سترگ «تقریب بین مذاهب اسلامی» بدانیم، بر آن خواهیم شد که موارد عینی این تأثیر متقابل را در گذشته و حال باز شناسیم و با باز شناخت آن، میزان تأثیر هر یک را بر دیگری در ازمنه و امکانه مختلف دریابیم و بفهمیم که مثلاً کی و کجا مذهب تاریخ را تحت تأثیر قرار داده و کی و کجا تاریخ، مذهب را... یا: کی و کجا مذهب، سیاست را تحت تأثیر قرار داده و کی و کجا سیاست، مذهب را و قس علیهذا...

این تحقیق جامع الاطراف مذهبی - سیاسی - تاریخی، جامعه شناختی و... چراغ راه ما خواهد شد که «عصر» خود را باز شناسیم و بر حسب محیطها و اجتماعات و اقلیمهای متفاوت، برای رفع موانع تقریب، طرحهای متفاوت و متناسب بریزیم...

این سخن بدین معنا است که باید بر نامه ریزی تقریب بر حسب موارد مختلف، با تاکتیکهای متفاوت و حتی متضاد صورت بگیرد؛ یعنی در آنجا که سهم بیشتر اختلاف، از آن سیاست است، بیشتر تکیه روی کار سیاسی باشد و آنجا که عنصر مذهب بیشتر دخیل است، مباحث عقیدتی و کلامی در اولویت قرار گیرد. و در مواردی که مسأله نه جنبه سیاسی حاد دارد و نه بُعد عقیدتی و مذهبی روشن، بلکه تنها یک سلسله رسوبات تاریخی و یا عرف و عاداتها و آداب اجتماعی است، باید به کار تاریخ و جامعه شناسی اولویت داد و بر همین قیاس...

خلاصه: عملکرد «تقریب» با این نگرش، با تفاوت زمان و مکان، تفاوت بسیار می‌یابد تا بدانجا که گاه، ماهیت یک کار تقریبی، با ماهیت کار تقریبی دیگر، بگونه‌ای جوهری متفاوت. و حتی متضاد می‌شود... نکته سیزدهم که از نکته پیشین نتیجه می‌شود، این است که: ما در پرتو چنین مطالعه فراگیری، به راز عدم توفیقهایی که در گذشته و حال، «تقریب» با آن مواجه بوده است، دست می‌یابیم: عدم تشخیص علمی و مطالعه شده «بُعد غالب» اختلافات در زمانها و مکانهای مختلف و بهره‌گیری از یک شیوه کار - ناقص - در

همه جا و همه وقت مثلاً: کار مذهبی به جای کار سیاسی و یا کار سیاسی به جای کار مذهبی و از همه مهمتر، غفلت و بهانه ندادن و به حساب نیاوردن بُعدهای اجتماعی و رسوبات تاریخی و خلاصه «تک بعدی نگری» و عمده‌با نگرش صرفاً «مذهبی» یا احیاناً «سیاسی» به پدیده نگرستن، از جمله موانعی است که کار تقریب را با ناکامی و عدم توفیق روبرو ساخته و می‌سازد و خواهد ساخت و برماست که با جامع نگری و نیز عمل جامع با این مانع مبارزه کنیم...

و نکته چهاردهم که آخرین نکته است، این است که آنچه به صورت طرح مطالعاتی - تحقیقی به محضر اندیشمندان و ارباب تحقیق حاضر در این مجمع و نیز همه کسانی که این نوشته ارتجالی را می‌خوانند، تقدیم می‌شود، این است که: اختلاف موجود بین شیعه و سنی، با این ماهیت و حجم ضخیم کنونی، اصولاً یک پدیده سیاسی - تاریخی و مذهبی است و نه یک پدیده مذهبی صرفاً! و این باگفته ما در نکته پنجم منافات ندارد؛ زیرا هیچ پدیده سیاسی - تاریخی نیست که تنها پدیده سیاسی - تاریخی باشد، بلکه دارای عناصر دیگری نیز هست. پس منظور این است که وجه غالب عوامل عمده تکوّن و رشد و تکامل «اختلاف» و «موانع تقریب» سیاسی هستند که در گذر چند قرن از تاریخ اسلام: پدیده را بگونه موجود حاضر در آورده‌اند.

این، در حقیقت تعبیر دیگری از نکته ششم است که به موجب آن، گستردگی و ژرفانی و فراگیری اختلاف محصول گذر زمان تلقی می‌شود؛ بدین مفهوم که اختلاف، در آغاز ژرف و فراگیر نبوده و با گذر زمان بدین پایه رسیده است. تفاوت نکته چهاردهم با این نکته در این است که ما در اینجا صریحاً به ماهیت سیاسی - تاریخی - و نه مذهبی - پدیده، عنایت داریم که به عنوان یک «طرح» و نه یک اظهار نظر و ابراز عقیده مستند و مدلل، به محضر اندیشمندان بزرگ سنی و شیعه تقدیم می‌داریم.

تعبیر دیگر سخن فوق، این است که: آنچه اکنون از جداییهای مذهبی فِرَق مسلمین، پیش روی ما است، خیلی بیش و پیش از آنکه ریشه در «کلام» و «مذهب» داشته باشد، ریشه در «سیاست» و «تاریخ» دارد، بی آنکه ماهیت مذهبی جدایی‌ها نادیده گرفته شود. و به تعبیر سوم: در حقیقت، در طول تاریخ اسلام، «مذهب»، دستاویز

«سیاست» بوده و این سیاستمداران بوده‌اند که به دلایلی که در جای خود گفتمی است، به اختلافات مذهبی دامن زده و کوره آن را داغ می‌کرده‌اند و نیز بر حجم و گستردگی آن می‌افزوده‌اند، و گرنه، نه در زمان خلفای راشدین و نه در طول دوره ۲۵۰ ساله امامان شیعه، جدایی میان مذاهب اسلامی، به هیچ روی تا بدین پایه نبوده است. البته سیاستمداران به نوبه خود از دانشمندان دین و رسوبات تاریخی و ذهنیتهای اجتماعی و مذهبی مردم بهره می‌گرفته‌اند...

این طرحی است که برای نقض و ابرام و رد اثبات و تصحیح و تکمیل، به محضر ارباب علم و تحقیق تقدیم می‌گردد. باشد که راهی نو برای «تقریب بین مذاهب اسلامی» و مبارزه با «موانع تقریب» بگشاید.

ربنا عليك توكلنا و اليك أنبنا و اليك المصير

ربنا لاتجعلنا فتنة للذين كفروا

و اغفر لنا ربنا إِنَّكَ انت الغفور الرحيم

مدینه منوره - ۲۲ ذيقعدة ۱۴۱۳

